

غرب و قومیت

درآمدی بر سیطره قومیت و نژادگرایی بر اندیشه‌های مغرب زمین

احمد راسخی لنگرودی



انتشارات اطلاعات

تهران - ۱۳۸۶

سرشناسه: راسخی لنگرودی، احمد، ۱۳۳۸-
 عنوان و نام پدیدآور: غرب و قومیت: درآمدی بر سیطره قومیت و نژادگرایی بر اندیشه های مغرب زمین /
 احمد راسخی لنگرودی
 مشخصات نشر: تهران: اطلاعات، ۱۳۸۶.
 مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.
 شابک: 978-964-423-663-1
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۰۳-۲۰۶
 یادداشت: نمایه.
 موضوع دیگر: درآمدی بر سیطره قومیت و نژادگرایی بر اندیشه های مغرب زمین.
 موضوع: نژادپرستی.
 رده بندی کنگره: ۲۸۴/۱۵۲۱ HT
 رده بندی دیویی: ۳۲۰/۵۶
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۵۳۹۳۱



انتشارات اطلاعات

تهران: خیابان میرداماد، خیابان نفت جنوبی، روزنامه اطلاعات، شماره پستی ۱۵۳۹۱۵۱۱۹۹
 تلفن: ۲۹۹۹۳۴۵۵۶
 فروشگاه مرکزی: خیابان انقلاب اسلامی، رویروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۳۶۰۷۲۴
 غرب و قومیت (درآمدی بر سیطره قومیت و نژادگرایی بر اندیشه های مغرب زمین)

نوشته احمد راسخی لنگرودی

ویراستار: محمد حسین خسروانی
 حروف نگار: معصومه صفی
 صفحه بردار: فاطمه خلویی
 طراحی جلد: رضا گنجی
 حروف نگاری، چاپ و عتاقی، مؤسسه اطلاعات

چاپ اول: ۱۳۸۶
 قیمت: ۱۴۰۰ تومان
 شماره گان: ۲۱۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۲۳-۶۶۳-۱ ISBN: 978-964-423-663-1

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. Printed in Iran

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول: کلیات	
۱- نژاد و نژادگرایی	۱۹
۲- سیر تاریخی نژادگرایی در غرب	۲۶
تقسیم‌بندی نژادی در سنت‌های غلط دینی	۲۷
شرق‌شناسی و نژادگرایی	۳۰
اومانیزم و نژادگرایی غرب	۳۳
۳- ردپای نژادی در فرهنگ یونانی	۳۵
یونانیان و بربرها	۳۷
افسانه‌پردازی‌های پدر تاریخ!	۳۹
افسانه‌پردازی در فیلم ضدایرانی ۳۰۰	۴۳
فصل دوم: نژادگرایی در سفرنامه‌ها	
سفرنامه‌ها، از چشم‌انداز خاستگاه‌های نژادی	۴۷
انگیزه سفرنامه‌نویسان	۵۰
طرز کار سفرنامه‌ها	۵۱
۱- تصویر سرخ‌پوستان در سفرنامه‌های غربی	۵۵
۲- آفریقا، سرزمین میان وحشی!	۶۰
۳- مشرق، سرزمین مردمان بی‌هویت!	۶۲

- ۴- ایران در سفرنامه جیمز موریه ۶۵
- ۵- ایرانیان در سفرنامه تاورنیه ۷۱
- ۶- سیمای ایرانیان در سیاحتنامه شاردن ۷۶
- ۷- ایرانی از زبان کمپفر ۸۱
- ۸- تحقیر مردم اصفهان در سفرنامه دیولا فوا ۸۴
- ۹- ایرانیان در سفرنامه باربارو ۸۷
- ۱۰- القای برتری غرب در سفرنامه بلوشر ۹۲
- ۱۱- ایران و ایرانی از نظر فلاندن ۹۶

فصل سوم: نژادگرایی در اندیشه‌های نظری

- فرضیه‌های نژادی در اندیشه‌های نظری غرب ۱۰۵
- ۱- نژادگرایی در فلسفه تاریخ هگل ۱۰۸
- ادوار سه گانه تاریخ ۱۰۹
- شرق در نگاه هگل ۱۱۰
- اصالت نژاد ژرمن ۱۱۴
- آفریقا در نگاه هگل ۱۱۵
- بازی شیطنت آمیز! ۱۱۷
- ۲- نژادگرایی در چهره نبرد من ۱۱۹
- نابرابری به مثابه قانون! ۱۲۲
- ۳- جیمز لین و اصالت نژاد ژرمنیک ۱۲۴
- ۴- مظاهر نژادگرایی در آرای زیگفرد ۱۲۷
- نژاد سفید صاحبان اصلی تمدن! ۱۲۷
- غرب در مقایسه با شرق ۱۲۸
- نقد آرای زیگفرد ۱۳۳
- ۵- شرق از منظر دو گوینو ۱۳۶
- اوصاف شرقیان ۱۳۸
- ایران در نظر دو گوینو ۱۳۹
- نقد آرای دو گوینو ۱۴۳
- ۶- برتری غرب از نگاه یاسپرس ۱۴۶

۱۴۶	ماهیت غرب
۱۴۸	اوصاف باخترزمین
۱۵۱	آسیا در مقایسه با غرب
۱۵۳	۷- غرب محوری در اندیشه مونتسکیو
۱۵۶	استبداد شرقی
۱۶۱	نامه‌های ایرانی
۱۶۴	۸- شرق از منظر ویتفوگل
۱۶۷	۹- ولتر، داعیه‌دار اصالت نژادی
۱۷۱	۱۰- مظاهر نژادگرایی در اندیشه آرنست رنان
۱۷۱	شرق افسانه‌ای
۱۷۲	نژاد آریا
۱۷۲	زبان شرقی
۱۷۳	انحطاط مسلمانان
۱۷۵	نقد سید جمال‌الدین اسدآبادی بر اظهارات رنان
۱۷۶	بلوغ نژاد غربی
۱۷۸	۱۱- اصالت نژاد سفید در آرای یوفون
۱۸۰	۱۲- ماینر، داعیه‌دار برتری غرب
۱۸۲	۱۳- کلم و اصالت نژادی
	فصل چهارم: نژادگرایی در آراء چهاره‌شناسان
۱۸۷	امتیازات نژادی از منظر چهاره‌شناسی
۱۹۰	۱- یوهان کاسیر لاواتر
۱۹۲	۲- کارل ول لیمه
۱۹۴	۳- پیتر کامپر
۱۹۶	۴- فرانس ژوزف گال
۱۹۸	۵- کارل گوستاو گاروس
۲۰۳	منابع و مأخذ
۲۰۷	نمایه

...نژاد تمدن را نمی‌سازد، بلکه تمدن است که ملت‌ها را خلق می‌کند.

ویل دورانت

مقدمه

نگاه جامعه‌شناختی غرب به سایر جوامع، بعضاً متمایل به آگوسانتریسم^۱ و خودمحوربینی است، آن‌هم نه از نوع ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی که به‌طور طبیعی در هر جامعه و ملتی می‌توان نشانی از آن یافت، بلکه چیزی بیش از آن؛ راسیسم^۲ و نژادپرستی و یا بزرگ‌منشی افراطی قومی. به‌طوری که در بسیاری، حد معمول و متعارف گرایش‌های نژادی و قومی، که به‌طور ناخودآگاه در انسان‌ها دیده می‌شود، جای خود را به نظریات افراط‌گرایانه نژادی داده و فرهنگ، تمدن، نژاد و قومیت غربی به‌طور مطلق در مقام دآوری و اظهار نظر، یگانه معیار و میزان کمالات انسانی دانسته می‌شود. افراط‌گرایی در اظهارات و داوریه‌های قوم‌مدارانه همواره به تحقیر و تحقیر جوامع غیر غربی و نادیده انگاشتن حقایق آن جوامع انجامیده است.

آگوسانتریسم و خودمحوربینی غرب در وجه غالب خود یک پدیده فرهنگی است که در چهره‌پاره‌ای از اندیشه‌های فلسفی، آرای نظری، علمی و تجربی

1. egocentrism

2. racism

اندیشمندان غرب نمایان می‌شود. خودمحوربینی در ذهنیت غربی متمایز کننده تاریخی مردم غرب از سایر نقاط جهان است. این تمایز از نقطه شرق‌شناسی آغاز و به اعمال قدرت و استیلای غرب پایان می‌پذیرد.

خودمحوربینی غرب پدیده‌ای خلق الساعه و امروزی نیست، بلکه در تاریخ اندیشه غرب کمابیش می‌توان رگه‌هایی از آن را به طور آشکار و پنهان یافت. ظهور القابی چون؛ «بربر» و «وحشی» و انتساب آن به گستره فرهنگ شرق و جوامع غیر غربی که در طول تاریخ از باستان تا به امروز از سوی دسته‌ای از اندیشمندان مغرب زمین صورت گرفته است، نشان از این واقعیت تلخ دارد.

دامنه نظریات نژادپرستانه غرب که هدفی جز تحقیر شرقی و به طور اعم ملل غیر غربی ندارد، وسیع تر از حد معمول تصور است. نظریات ارائه شده در این باب در قالبها و صور مختلف شکل می‌گیرد و هر یک از نظریه پردازان بر حسب رشته تخصصی و اشتغال ذهنی و فکری خود به نوعی، در صدد فرض و توجیه کمال و برتری تمامیت فرهنگ غرب بر آمدند و آشکار یا پنهان تلقی اصالت مدنی یا نژادی خود را بی‌پروا قالبهای علمی و فلسفی بخشیدند. در بسیاری، سمت و سوی اصالت نژادی تحقیقات به اصطلاح علمی را در همان آغاز می‌توان دریافت و جانبداری گروهی از دانشمندان را از پاره‌ای استدلالات به سود گونه‌ای سلسله مراتب نژادی مورد شناسایی قرار داد. بهره‌برداری از این نظریات سودجویانه پیامدهای غم‌انگیزی در طول تاریخ به دنبال داشته است؛ ظهور پدیده فاشیسم و نازیسم در اروپا و پیدایش حرکت غیر انسانی آپارتاید در آفریقا که در پرتو فلسفه راسیسم و اندیشه‌های نژادپرستانه زمینه بروز جنگهای خونین و اندوهباری را فراهم ساخته است، پیامد قابل توجه و درخور بررسی این نظریات مصیبت بار به شمار می‌آید؛ به طوری که می‌توان گفت مسأله نژادگرایی محملی برای توجیه تسلط استعمار، کشور گشایی و به بردگی کشاندن کشورهای مستعمراتی در طول تاریخ شده است. پیشرفتهای علمی و فرهنگی مقاطعی از تاریخ غرب این اندیشه را برای

پاره‌ای از اندیشمندان غرب به غلط فراهم آورده است که علم و دانش از اساس ملك طلق آنان بوده و حاصل سیر اندیشه‌هایی است که در بستر مستعد و علمی آنان گردآمده است. به همین جهت نیز چه بسا مواجهه آنان با رشد یافته‌ترین فرهنگهای غیر غربی از سرب‌بی انصافی و با نوعی کینه، عداوت و دشمنی همراه بوده است و در کمترین حالت به نقش برخی از نژادها و ساکنان پاره‌ای از اماکن جغرافیایی در تمدن آفرینی، بی‌توجهی شده است.

رشد و کمال رشته‌های مختلف علمی به گمان این دسته از متفکران صرفاً به حوزه غرب متعلق است. بر این اساس نقش و سهم سایر اقوام را در جریان تاریخ علم تنها باید در حاشیه، خارج از کانونهای فعال علمی و تحقیقی باز جست. در این دیدگاه پیوسته شرق فاقد تاریخ، فرهنگ و تمدن معرفی و چنین تبلیغ می‌شود که تمدن و فرهنگ غربی تمدن و فرهنگ منحصر به فرد نوع انسان است و انواع دیگر فرهنگها که بدوی و تاریخی‌اند باید خود را در برابر سلطه جهانی آن قربانی کنند و فقط در موزه‌ها نگهداری شوند.

در نظام تعلیمی غریبان آنچه به کودکان آموزش داده می‌شود، برتری و غلبه فرهنگ غرب بر شرق است. آنجا که جنگ ایران و یونان در کتابهای تاریخ آموزشی مورد بحث و توجه قرار می‌گیرد، از آن به عنوان جنگ یونان و بربرها یا جنگ وحشیان و قوم متمدن یاد می‌شود!

روحیه انحصار طلبی غرب در تمامی وجوه و قالبهایش تاریخی پس کهن را با اسناد و مدارك حکایت دارد. هر و دوت در چند سده قبل از میلاد آنجا که به امر تاریخ همت می‌گمارد، احساس ملت پرستی خود را در ابراز نظریات به خدمت می‌گیرد و در توصیف اقوام غیر یونانی، آشکارا دستخوش عجب و غرور، همچنین علو مقام وطن خود قرار گرفته، سایر اقوام را در مقایسه با یونانیان حقیر و پست و در زمره ملل وحشی قلمداد می‌نماید. بعدها در طول تاریخ این سوء نظر مورد استناد غریبان قرار می‌گیرد؛ بلکه در بسیاری جاها از آن نیز فراتر رفته و با تفسیرهای

دلخواهانه بر آب و روغن دروغهای پدر تاریخ (!) افزوده و پیوسته اقوام غیر غربی، بویژه ایرانیان را خوار، گناهکار، وحشی و پس مانده و انمود کرده اند.

نغمه هایی این چنین نیز در قرون اخیر از سوی مستشرقان و اندیشمندان یی چون مونتسکیو، هگل، زیگفید، دو گوینو، کارل یاسپرس، ارنست رنان و... شنیده شده است.

این اندیشمندان در پی آنند که برای «غرب محوری» مبنایی نظری و پشتوانه ای به ظاهر عقلانی ارائه دهند و غرب را اساس و ریشه تمام هستی، ناآرام، آزاد و آزادی خواه، عقلگرا، پر تحرک، علمگرا، خود آگاه، حقیقت جو، تمدن ساز، برخوردار از بینش و کمالات، دارای درکی درست از مفهوم زمان و فعالیت و کار آمدی و احساس مسئولیت، دوستدار حقوق بشر، زمینه ساز ظهور پیامبران یهودی و قدیسان بزرگ مسیحی و... و انمود سازند و در عوض جوامع غیر غربی را وحشی، فاقد تاریخ، یخ زده، ایستا، غیر عقلانی، غیر آزاد، غیر علمی، بی استعداد، مستغرق در گرداب طبیعت، فاقد سهمی ناچیز در چرخه رشد و توسعه و... به شمار آورند.

در این میان سهم مبلغان مسیحی - اروپایی و سیاحان غربی را نباید نادیده انگاشت. برخی از آنان که یادداشتها و سفرنامه های ارزنده ای در زمینه مردم شناسی عرضه داشته اند، به گونه ای دیگر ملل غیر غربی را خوار و خفیف نموده اند. آنان با استفاده از زبان خاص خود، معتقدات و مناسک دینی مستعمرات را بی دینی و جادوگری و اعمال عجیب و غریب و معتقدان آن را مردمی عقب مانده و وحشی و آدمخوار گزارش نموده اند. این دیدگاههای نژادپرستانه به شکل بنیادین نیازمند شناسایی، تأمل، و نقد و بررسی است که در این مجموعه تقدیم علاقه مندان می گردد.

آنچه نگارنده را به تحقیق پیرامون چنین موضوعی انگیزه گشت، مقاله ای بود که سالها پیش، در ذیل عنوان «سیطره قومیت بر اندیشه غرب» طی دو شماره در

روزنامه اطلاعات به تاریخ ۳ و ۶ اسفند ۱۳۷۳ به چاپ رساندم. این مقاله در سومین جشنواره مطبوعات در سال ۱۳۷۴ مورد استقبال واقع شد و در رشته نقد سیاسی با کسب بالاترین امتیاز، حایز مقام اول گردید. این جریان نگارنده را بر سر شوق آورد تا با تأملی دوباره اما جامع تر در ابعاد موضوع، تحقیقی مستقل صورت دهم که پس از مدتها به صورت کتاب حاضر سامان یافت.

مجموعه مطالب این کتاب در ۴ فصل گرد آمده است: فصل نخست به کلیات نظر داشته که مشتمل است بر معنای لغوی و اصطلاحی نژاد، تبیین نظریه نژادگرایی و استدلال نژادگرایان در فرایند اندیشه اعتقادی خود، و نیز سیر تاریخی نژادگرایی در جهان غرب؛ از یونان باستان تا غرب کنونی.

در فصل دوم با عنوان نژادگرایی در سفرنامه‌ها، خاستگاه نژادی سفرنامه‌های غربی و طرز کار سفرنامه نویسان مورد بررسی قرار می‌گیرد و به طور نمونه به تعدادی از آنها، با تکیه بر موضوع ایران و ایرانیان، پرداخته می‌شود.

نژادگرایی در اندیشه‌های نظری، عنوان سومین فصل از کتاب حاضر را به خود اختصاص می‌دهد. در این فصل به تفصیل پاره‌ای از اندیشه‌های نژادگرایانه اندیشمندان بلندآوازه غرب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل چهارم، با عنوان «نژادگرایی در آراء چهاره‌شناسان»، بخش دیگری از جریان نژادگرایی غرب، بررسی، بازخوانی و نقد می‌شود.

در خاتمه از فرزندم آقا احسان که با قبول زحمت در فراهم آوردن نمایه کتاب نگارنده را کمک کار بوده است، سپاس می‌گذارم و از پیشگاه اهل دقت و بصیرت از قصور خویش در باب خطا و لغزشهایی که در آن خواهند یافت، پوزش طلبیده و ارشادات آنها را خواهانم.